

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۱ جون ۲۰۱۱

## بررسی "غزوات" محمد

۱

### قرآن، محمد و کشتار

در بحث‌های گذشته از محمد آخرین پیغمبر – حبیب خدا – پیشوای مسلمانان- پیغمبری که خداوند برای رفع اشتباهی جنسی شان همیشه و در هر شرایطی و عاجلا آیات صادر می کرد، از زندگی و **خانمها و کنیزان** و **زنهائی** که خود را به جناب شان **بخشیده بودند** تا جایی که اسناد و مدارک تاریخی نشان می داد صحبت نمودیم و هم یادآور شدم که حضرت در زمانی که در مکه تشریف داشتند، نسبت نداشتن پایگاه اساسی اجتماعی و بی قدرت بودن شان در اجتماع همیشه موعظه های **صلح آمیز** داشته و آیاتی را هم که به نام گفته‌های خداوند واحد آسمانی ابلاغ می کردند همه در پند و نصیحت و صبر و صلح و برادری بود با وجود آنهم در ظرف اضافه تر از ۱۰ سال نتوانست بیشتر از ۷۲ نفر را به دور خود جمع نماید و روز به روز شرایط زندگی اش تنگ تر می گردید مجبورا با یاران خود به مدینه فرار نمود تا با یک تعداد از **دزدان** و همجنسانی از قماش خود متحد شده و از مردم مکه انتقام بکشد که البته و مسلما در راه سفر خداوند هم برای رفع ضرورت‌های **شهوائی محمد با اصدار آیاتی** او را مطمئن ساخت تا **غرایض جنسی شان هم آرام باشد** و شرح آیات قرآنی درین مورد بخصوص در بخش‌های گذشته رفته است.

کمتر مسلمانی است که بداند دشمنانش را برای پیدا کردن پول و ثروت‌های دست داشته‌شان و به دست آوردن آن شکنجه می کرد. آن‌ها را از **وسط دو نیم می نمود** و زنی را که مادر چند فرزند بوده به جرم شعر گفتن کشته است. چون مسلمانان همه چیز را راجع به اسلام از زبان ملاها، آیت الله‌ها، مولوی‌ها و **(خدائی خدمتگاران اعراب)** شنیده و می شنوند و به آن باور پیدا می کنند. کمتر مسلمانی دنبال حقایق و پژوهش در باره آنچه می‌پرستند و دنباله رو آن است می‌رود و به اصل اسلام و محتویات حقیقی آن به اسناد تاریخی مراجعه می کند و ملا صاحبان و تاجران دینی هم آنانی که چنین مسابلی را می دانند از گفتن آنها روی ملحوظات خاصی خود داری می نمایند مگر اینکه منافع شان در خطر افتاده و تشکیل گروه‌های تروریستی بدهند. آنوقت است که به این

اساسات اسلامی به اساس تاریخ مراجعه و آنرا برای پیشبرد مقاصد شوم خود به نحو اسلامی و مقدس تبلیغ می دارند.

در لابه لای این نوشته می خواهم یک سلسله کشتار هائی را که محمد با اجازه قرآن مرتکب شده است روی اسناد معتبر تاریخی به بررسی بگیرم تا هموطنان عزیز و صاف دل ما ازین واقعیت های تلخ پشت پرده آگاه شوند و بدانند پیغمبری را که سالها ناخود آگاه ستایش نموده و من بعد هم تقدیس خواهند نمود چه شهکار های مقدسی را به انسانهای همان دوره و بشریت امروز تحویل نموده است.

وقتی که محمد به مدینه رسید و خود را جمع و جور نمود. و شورای مرکزی آدمکشان و رهزنان مدینه را تشکیل داد. محمد در مقام رئیس و پدر خوانده و ده هاتن از لاشخور های مکه و مدینه موسوم به عشره مبشره از قرار ابوبکر - عمر - عثمان - علی - طلحه بن عبیدالله - زبیر بن عوام - عبدالرحمن بن عوف - سعد بن ابی وقاص - سعید بن زید - و ابو عبیده بن جراح شامل مرکزیت گروه آدمکشی و تاراج اموال مردم تعهدات غیر انسانی مبنی بر قطع و قلع دشمنان خود و فتح مکه و گرفتن انتقام از مردم آنجا را بستند. این گروه آدم کش و چپاول گر برای اولین بار بر کاروان تجاری در نقطه ای به نام بدر که کاروانیان برای استفاده از چاه های آب آن منطقه توقف کرده بودند حمله و با قتل عام تاجران و محافظین آنان مزه چپاول و تاراج را چشیدند و تقریباً ۹۰۰ تن را به قتل رسانیدند و زنها را به کنیزی بردند و بعد ها در جریان چنین حملاتی بود که محمد به حیث رهبر این گروه بعد از قتل عام مردم به اولین زن مقبول و زیبایی که بر می خورد همبستر می شد و خداوند هم برای چنین اعمالی از طرف پیامبرش آیت پشت آیت "نازل" و آن را حلال می دانست. چنانچه سوره انفال آیت های ۱۲ و ۶۹ گواه این مطلب است.

قبل ازین تاریخ دزد ها و آدمکشان حرفه ئی که ازین راه امرار معاش می نمودند به شکل پراکنده و انفرادی چنین اعمالی را انجام می دادند اما محمد پیامبر خدا آنرا متشکل نموده و به گروه منسجمتر تبدیل و همچنان این حملات را بر قراء و قصبات کوچک و بی پناه شکل مقدس و آسمانی داد. به این ملحوظ روز تا روز این جمیعت و سازمان اسلامی وسیعتر گشته و فتوحات و کشتار شان اوج گرفته و بر تعداد آدمکشان و متجاوزان برناموس مردم افزوده میشد. این شکل تعدی بر حقوق دیگران و حمله بر آنان بدون دلیل فقط به نام اسلام زمینه ساز فاجعه انسانی بیشتر به دست گروه های آدمکش بی همه چیز بود. فقط فرق آن مقدس بودن اعمال ننگین شان زیر هدایات محمد به تاسی از قرآن بود که جنگ های مقدس و اسلامی مخصوصاً بعد از فتح مکه و همدستی ابوسفیان چنان جر آتی به این گروه خونریز داد که به سختی میتوان از جلو گرفتن آن صحبت نمود. زیرا جزئی ترین مخالفت فردی باعث قتل تمام قریه و قبیله می شد و شمشیر کشان از هر سو وحشیانه چنان به کشتار می پرداختند که بعداً اسم این چپاول گری ها را گذاشتند جهاد؟؟ (سر دشمن زده شده مال و زن و متعلقات کشته شده به نام غنیمت جنگی به فاتحین تعلق می گرفت) و این جهاد نباید توقف می کرد. حد اقل سال یک بار باید به جایی و قبیله ای حمله می شد تا این گروه خونخوار و آدمکش به نعمت های مادی و زن های اسیر شده دست می یافتند. و این جنایات و آدمکشی ها زیر نام جهاد مقدس (فی سبیل الله) تا آنجا دوام یافت که لشکریان اسلام هر یک تبدیل به فرمان روای جهاد شده و کسی نمی توانست بگوید بالای چشم شان آبرو است؟؟ (مثل قو ماندانهای جهادی میهن ویران شده خود ما) و کافران (نظر به شرایط حمله جنایت کار ان اسلامی) باید جزیه داده و سالانه یک مقدار پول و کنیز و برده به حضرت محمد تحویل میدادند.

یک تعداد یهودیان مقیم آنجا شروع به مخالفت با محمد نمودند مگر آن زمان وی قدرت کافی داشت تا در مقابل این

مخالفت ها جوابگو باشد (زمان صلح و برادری – **صبر و دعای خیر هم نوعی و انسان دوستی گذشته بود**) و محمد از تعدادی از هوادارانش خواست تا تعدادی ازین یهودیان را بکشند.

یکی از آن یهودیان به نام کعب بن الاشرف بود. او کسی بود که علناً گفت: **محمد پیغمبر نیست**. فقط یک فریبگار است که برای به دست گرفتن قدرت و حمله بر مکه آمادگی می گیرد. کعب یک یهودی بود. کعب هرگز سلاحی علیه محمد یا هیچ مسلمانی نگرفت. او فقط عقیده اش را نسبت به محمد ابراز و چند شعری هم در مورد زنان مسلمان سروده بود و به همین دلیل او را در شب به قتل رساندند که جریان قتل او را در پائین همین نوشتار خواهم آورد.

در مدینه سه قبیله یهودی زندگی می کردند بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه. همه این قبایل با سایر قبایل عرب پیمان همبستگی داشتند و هرگاه که زد و خوردی بین هم پیمانان عرب شان و سایر قبایل یهودی به وقوع می پیوست که معمولاً این چنین وقایع طبیعی بود آن ها طرف دوستان عرب خود را می گرفتند وقتی محمد به مدینه وارد شد امید داشت که یهودیان دین او را که همان خدای یهودیان را تبلیغ می نمود و پیامبران و داستانهای شانرا تأیید و تبلیغ می کرد بپذیرند. **حتی بسیار روایات یهودی ها – داستانهای قدیمی- باورمندی های خرافاتی شانرا هم شامل قرآن ساخت**. به همان جهت بیت المقدس را که قبله یهودیان بود قبله مسلمانان تعیین نمود، اما یهودیان مثل قریشیان او را به استهزاء گرفتند و کمتر اعتنائی به دین مطروحه او نشان دادند تا اینکه صبر محمد به پایان رسید و رفتاری خصمانه را در مقابل یهودیان پیش گرفته و در صدد انتقام بر آمد.

اولین یهودیانی که مغضوب پیغمبر قرار گرفتند یهودیان قبیله بنی قینقاع بودند آن ها در قسمتی از مدینه که به نام خود آن ها هم مسما شده بود زندگی میکردند شغل مردم آن زرگری، آهنگری و صنعت ایجاد وسایل مورد ضرورت خانه بود و در خانه های شان سلاح های جنگی زیادی بود. محمد به بهانه های حمله خود را به این قبیله شروع نمود. جریان ازین قرار بود:

روزی یک مرد زرگر یهودی زن مسلمانی را خشمگین کرد او جامه ای او را به پشتش گره زد و وقتی زن بر خاست اندام بر هنه او آشکار شد اتفاقاً مردی آنجا بود و مرد یهودی را کشت یهودیان نیز به تلافی آن مرد مسلمان را کشتند و جنگ محمد با آن ها آغاز شد. محمد که با حمله به کاروانهای تجارتي و غارت ثروت های شان بر انگیخته شده بود و چشم به ثروت یهودیان مدینه داشت در روز ۱۵ شوال سال دوم هجرت سر بازان خود را جمع و یهود آنجا را برای ۱۵ روز محاصره کرد و آب را بر آن ها بست. بنی قینقاع مجبور شدند که تسلیم شوند و منتظر قضاوت پیغمبر در مورد خانه، ثروت، اولاد ها و زنهای شان بوده و مجبوراً به آن تن دهند. مرد های جنگنده آن ها دستگیر و زندانی شده بودند تا عبدالله بن ابی آمد و از آن ها پشتیبانی نموده و با عذر و زاری از محمد خواست تا آن ها را ببخشد در نتیجه محمد آن ها را بخشید و تمام اموال و جنس های شانرا ب شمول ثروت و اسباب و وسایل به محمد دادند و به سوریه رفتند و مدتی آنجا ماندند و در مدت کوتاهی نابود شدند. محمد یک پنجم دارائی ها را بر داشت و بقیه را بین مردانش تقسیم نمود

ادامه دارد